

نگاهی به حوادث تلخ و غمبار معادن ایران

به بهانه فاجعه دلخراش معدن معدنجوی طبس

امیرجوهری لنگرودی

andishe.gbg@hotmail.com



آنگاه که بهار سرود خود را سر می‌دهد، مُردگان زمستان بر می‌خیزند،
کفن را دور می‌اندازند و به پیش می‌تارند. (جبران خلیل جبران)

چه غمگانه می‌نماید آنگاه که دادستانی که بحث در باره دلایل و ریشه
های مرگ دسته جمعی معدنچیان معدنجو طبس را ممنوع کرده، صدای
بازماندگان فاجعه طبس را که از اعماق وجدان جمعی جامعه ما
برخاسته، نشنیده است، که فریاد می‌زدند:

ما پنج روز عزای عمومی نداشتیم
سردخانه نداشتیم
آمبولانس نداشتیم
ما را با بدن‌های داغ
به خاک سپردند.....

من که طی این سال‌ها، پیرامون حوادث حین کار کارگران معادن ایران کار کردم و در روز شمارکاری سال‌های مختلف به ثبت رساندم، امروز از کدام معدن و دل پر درد کارگران و خانواده‌های‌شان بگویم و بنویسم که ناگفته‌اش نامکرر است.

برخی حوادث حین کارکارگران معادن کشور طی چند دهه بعد از انقلاب ۱۳۵۷

در برآمد روزشمارکاری طی سال‌های گذشته آمده است: در سطح جهان بی هیچ تردیدی کشورایران با در اختیار داشتن قریب به ۴۰ میلیارد تن ذخایر معدنی، در زمره‌ی یکی از غنی‌ترین خطه‌های معدنی جهان است. در همین یک دهه‌ی اخیر بزرگترین منبع سرب و روی جهان (مهدی آباد یزد) و نیز معادن بسیار بزرگی چون سنگ آهن سنگان و طلای ساریگونی کشف و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. در همین زمان، کم و بیش هر ساله ۳۰۰ میلیون تن ماده‌ی معدنی از معادن ایران استخراج شده است. صادرات و فروش ماده‌ی خام و فرآوری شده‌ی این بخش نه تنها سود سرشاری را نصیب سرمایه‌داران و مالکان معادن می‌کند، بلکه با تغذیه‌ی مستقیم صنایع سنگینی چون صنایع ذوب آهن و ذوب فلز، صنایع فولاد، سیمان، نفت و نیز صنایع ساختمانی، محرک مهم دیگرشاخه‌های صنعت است، همه‌ی ثروت میلیاردی صنایع معدنی ما را رقم می‌زند. در این خصوص کافی است اشاره کنیم که ایران بزرگترین تولیدکننده‌ی شمش آلومینیوم، شمش روی و ورق مس در خاورمیانه و همچنین دهمین تولیدکننده‌ی فولاد و پنجمین تولیدکننده‌ی سیمان در جهان است.

همین ثروت انبوه نهفته در زیرزمین و کهکشان پول، میلیاردها ثروت را با دزدی، چپاول نصیب معدن خواران می‌سازد و مرگ و نیستی را متوجه کارگران معادن و خانواده‌های آنان می‌نماید.

کارگران معادن ایران، به‌ویژه طی دو دهه‌ی اخیر، برای مقابله با تعرضات و بهره‌کشی بی‌شرمانه‌ی سرمایه‌داران و دخالاتگری چپاول گرانه‌ی سرداران سپاه و مزدوران امینتی – به‌ویژه آنچه در «معدن

طلای آق دره» حادث شد - همراه با خانواده‌های‌شان در مسیری پر فراز و نشیب - در **معدن خاتون آباد بابک** - دست به اعتراض، تجمع و بعضاً اعتصاب زده‌اند. گاه پیروزی‌های کوچکی کسب کرده‌اند و اغلب شکست خورده و ناگزیر به کنج حفره‌ها و تونل‌های معادن بازگشته‌اند. شکست‌هایی که با سرکوب، بازداشت و بعضاً کشتار کارگران همراه بوده است. یاد و خاطره‌ی کارگران معدن مس خاتون‌آباد همچنان زنده است و رد شلاق برتن کارگران معدن طلای آق‌دره همچنان خونین. این است بهایی که کارگران برای پیگیری حقوق خود باید بپردازند.

اعتراضات کارگران معادن کشور مانند **معدن سنگ آهن چادرملو** یا طولانی‌ترین و پردامنه‌ترین اعتصاب کارگران معدن که کارگران **معدن سنگ آهن بافق** ترتیب دادند، اعتصاب سیصد نفری کارگران **معدن مس سرچشمه کرمان** به دلیل عدم بازپرداخت حقوق‌های معوقه کارگران معدنی که تحت مسؤلیت شرکت پیمانکاری ارفع‌سازان است، اعتصاب خونین **معدن مس خاتون آباد** که بیش از ۲۰۰ تن از کارگران معدن مس‌خاتون‌آباد در سال ۸۲ در اعتراض به اخراج کارگران، ابتدا در جاده‌ی منتهی به معدن تجمع کرده و به دنبال تهاجم نیروهای ضد شورش، به همراه خانواده‌های خود در برابر فرمانداری شهر بابک تجمع نمودند. تجمعی که با استفاده از ادوات نظامی و از جمله هلیکوپتر به خاک و خون کشیده شد و ۴ تن از کارگران، از جمله یک دانش‌آموز در این کشتار به قتل رسیدند. درگیری خونین و دنباله دار **معدن طلای آق‌دره** که در اعتراض به اخراج ۳۵۰ نفر از کارگران فصلی با یک تا هفت سال سابقه کار ۵۰۰ تن از کارگران معدن در دی‌ماه ۹۳ در ورودی معدن تا ساعت ۸ شب تجمع کردند بود. گزارش شده با وجود این‌که در این تجمع سه تن از کارگران دست به خودکشی ناموفق زدند، کارفرمای معدن در روزهای آتی از ۱۱ تن از کارگران به اتهام برهم زدن نظم معدن شکایت هم کرده بود. **معادن زغال‌سنگ البرز شرقی** در فروردین ۹۳ و در پی واگذاری شرکت معادن البرز شرقی به بخش خصوصی که در پی آن ۹۵ درصد از

سهام این شرکت به مالکیت شرکت نوب آهن اصفهان درآمد و ۵ درصد مابقی به کارگران تعلق گرفت. و سرانجام حادثه خونین معدن زمستان یورت (۱) در ۱۴ کیلومتری آزادشهر استان گلستان و در ۹۰ کیلومتری شرق گرگان که گفته می‌شود تا اردیبهشت سال ۱۳۹۶ بیش از ۵۰۰ کارگر در آنجا کار می‌کردند، اما پیش از ظهر چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۹۶ انفجار مهیبی این معدن را لرزاند. کارگران در عمق ۱۳۰۰ متری در فضای مملو از گاز مونو اکسید کربن و متان گرفتار شده بودند و ۴۴ نفر زیر آوار ماندند و سوختند و خفه شدند. کارگرانی که چندماهی حقوق معوقه داشتند و روزی حداقل ۱۲ ساعت در سخت‌ترین شرایط با حداقل دستمزد در دو کیلومتری عمق زمین کار می‌کردند. صحنه‌ی حمله‌ی کارگران و خانواده‌های عصبانی آنان در اعتراض به ماشین حسن روحانی، منجر به فراری دادن رئیس جمهوری وقت توسط نیروهای محافظش از دست کارگران معترض آن معدن بازتاب وسیعی در سطح شبکه‌های اجتماعی داشت.

بی سرانجامی وضعیت کارگران شرکت معادن زغال‌سنگ کرمان با توجه به نیروی گسترده بیش از ۳۸۰۰ کارگر در شهرهای راوند، زرنند و کوهبنان که در استخدام پیمانکاری‌های وابسته به این شرکت تحت مدیریت استخراج معادن پابدانا، هجدک، حشونی، همکار و آبیل را در استان کرمان هستند که بیش از ۲۰۰ میلیون تن ذخیره‌ی زغال‌سنگ را در اختیار دارد. این کارگران بارها حول حقوق‌های معوقه و تعیین تکلیف حول قراردادهای موقت و دائمی نمودن‌شان دست به اعتصاب زدند، تا سر انجام با کلید خوردن طرح خصوصی‌سازی «سازمان توسعه و نوسازی معادن ایران»، ایمیدرو، خبر و اگذاری این مجموعه به شرکت خصوصی «دالاهو» را منتشر کرد. در اترارض به این اقدام کارگران به شکلی وسیع در سه شهر راوند، زرنند و کوهبنان با تجمع در برابر فرمانداری و دفتر ائمه‌ی جمعه‌ی این شهرها دست به اعتراض زدند و علاوه بر مخالفت با خصوصی‌سازی شرکت، خواهان تحقق دیگر مطالبات خود از جمله دائمی ساختن قراردادها و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل شدند.

حادثه تلخ شرکت معادن زغال سنگ البرز شرقی و رخداد مرگ دو کارگر جوان معدن کار، در معدن طرزهی دامغان از سلسله معادن چهارگانه‌ی البرز شرقی، انگاری همه‌ی موجودیت موفقیت آمیز اول ماه مه، یازده اردیبهشت سال ۱۴۰۰ را سیاه و کدر نمود. (۲)

بار مفهومی معادن و حدت یابی حوادث معادن را چگونه باید دید؟

در طول چند دهه قبل و بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ما شاهد رخدادهای دلخراش و غیر قابل کتمان از فروریزی آوار جانکاه دیواره‌های سنگی و کوه معادن بر سر کارگران معدن حین کار بودیم که زندگی تعداد زیادی کارگر را در اعماق معادن از ایشان ستاند، و خانواده‌های آنان را مقابل کوهی از دشواری و مصائب مانند عدم دریافت بیمه‌ی کارگران متوفی، قرار داد. هیچ مرجعی نیز تا به امروز پاسخگو نبوده و نیست.

معدن به مجموعه از کانسازها - یعنی ذخیره‌ی معدنی که بهره‌برداری از آن جنبه‌ی اقتصادی داشته باشد - به اضافه ماشین آلات و تسهیلات مربوط به آن که به منظور اکتشاف، تجهیز و بهره‌برداری است گفته می‌شود. معادن در ایران به سه دسته‌ی تعاونی، خصوصی و دولتی تقسیم می‌شوند و معادن دولتی شامل معادنی است که توسط سازمان‌های دولتی، شهرداری‌ها و نهادهای انقلابی - عمدتاً سپاه پاسداران - اداره می‌شود. چنانچه مدیریت معدن توسط افراد یا مؤسسات خصوصی اعمال شود، معدن خصوصی تلقی می‌شود و در صورتی که اداره‌ی آن توسط شرکت تعاونی انجام شود، معدن تعاونی است.

در تمامیت جغرافیای ایران حوادث معدنی پس از حوادث کارگران ساختمانی، بیشترین آمار تلفات نیروی کار را به خود اختصاص داده و فعالیت در معادن به مانند حرفه‌ی پرستاری جزو مشاغل سخت و زیان‌آور شناخته شده است که پذیرش این امر برای صاحبان بخش خصوصی به‌غایت دشوار می‌نماید. بسیاری از کارشناسان و فعالان اقتصادی با اشاره به سختی کار مشاغل سخت و زیان‌آور معتقدند با وجود آنکه بحث طبقه‌بندی مشاغل در قانون دیده شده ولی به دلیل نبود

نظارت بر اجرای آن، بسیاری از کارگاه‌های سخت و زیان‌آور مشمول طرح طبقه‌بندی نمی‌شوند؛ در نتیجه کارگران با حقوق ناچیز در کارهای طاقت‌فرسا به خدمت گرفته می‌شوند.

برخی آمارها از وجود بیش از ۵۵۰۰ معدن در کشور حکایت دارد که حدود ۹۰ درصد آن‌ها در حوزه‌ی ذغال سنگ فعالیت می‌کنند و روش‌های استخراج در بیش از ۹۰ درصد این معادن عمدتاً به شکل سنتی و تقریباً نایمن است. آنجا که سرمایه‌فرمان می‌راند، نفس کارکرد سنتی معادن، و عدم تجهیزات کافی، مسبب مآسیب و مرگ کارگران می‌شود. آنچه در **معدن معدنجوی طبس** اتفاق افتاد، بر کارگران و خانواده‌های آن‌ها روشن است که چنین حوادثی در دو سویه کم توجهی و بی تفاوتی دولت و کارفرمایان بخش خصوصی و خصولتی، به عبارتی به دلیل قصور کارفرمایان در ایمنی معدن و دولت‌ها نیز به دلیل عدم نظارت برایمینی محیط کار رخ می‌دهد. امروز بدون هیچ گونه گمانه زنی داهیه‌انه‌ای روشن شد مسبب اصلی مرگ دسته جمعی کارگران معدن طبس - همچون ده‌ها فاجعه‌ی جانی کارگران معادن - نه فقط کارفرمایان و پیمانکاران حریص و سودجو که حاکمیت است که همدست این غارتگران است و دست آن‌ها را برای بهره‌کشی بیرحمانه از نیروی کار در تونل‌های مرگ در اعماق زمین باز گذاشته و دست کارگران زحمتکش را برای ایجاد تشکلهای مستقل در دفاع از منافع صنفی و طبقاتی و حق زندگی شایسته را با امنیتی کردن تشکلهایابی و مرتبط کردن هر تلاشی برای خودسامان یابی مستقل اردوی کار به بهانه «تهدید امنیت ملی» بسته است. مادامی‌که جمهوری حریص سرمایه حاکم است، این نابسامیانی همچنان ادامه خواهد داشت.

چه نوع معادن و وجه آماری معادن

هر یک از معادن طلا در جای جای ایران خاصه استان کرمان و معدن طلای آق دره آنچنان مشحون از رخدادهای چرکین است که بازنگری آن خود یک کتاب خونین می‌گردد. انبوه تهی‌دستان ایران، قربانیان

ولنگارسازی اقتصاد کشورند که خمینی از روز اول آن را به هیچ می‌گرفت و خامنه‌ای همه‌ی توانش را برای ملزم کردن دولت‌های گوش به فرمانش به «اقتصاد مقاومتی» به خدمت گرفته که تا به امروز راه به‌جایی نبرده است! چرا که حوادث حین کار با سوداگری و رانت خواری و به یغما بردن دارایی‌های دولت‌ها به عنوان بزرگترین نماد سرمایه‌داری و هم بخش خصوصی و خصولتی در عرصه‌ی اقتصاد ایران که تنها به سود و بازار و فربه شدن جیب‌های گشاد خود می‌اندیشند، هر روز بیش از پیش تشدید می‌شود.

فرزانه علم اقتصاد ایران، دکتر فریبرز رئیس‌دانا، که یادش به خیر باد گفته‌اند: «اگر هر گز هیچ فرد ناداری در میان نباشد، ناداری نیز رخت خواهد بست. اما نظریه پردازان اجتماعی - اقتصادی که مقوله‌ی ناداری را از پدیده‌ی نادار بودن جدا می‌کنند، برآنند که تا زمانی که نیروی خود را متوجه حذف ناداری نمی‌کنیم، باید همچنان شاهد حضور دردناک تهیدستان در جامعه باشیم. همه اینگونه نیستند. نولیبرال‌ها با فرصتی که برای پراکندن باورهای نادرست و ویرانگر در جهان - و در وطن ما نیز - به دست می‌آورند. دولت را ملزم می‌ساختند که هیچ الزامی برای مداخله در حذف محرومیت، ناداری، بیکاری و گزند تورم نداشته باشد و صرفاً برای دفاع همه جانبه از مالکیت و مقام قدرت بی چون و چرای بازار وارد عمل شوند. اما صاحب نظران ریشه‌گرانه تنها به فقر بلکه به عوامل پدید آورنده‌ی آن پرداخته‌اند. آن نظم و تعادل اجتماعی که حاصل آن فقر، اختلال‌های پی در پی، محرومیت و ناامنی است، چیزی است که به ظاهر منظم و متعادل می‌نماید. اما به واقع هرج و مرج ساز و ویرانگر است.» (۳)

احمد سیف که در وانگری خویش به صغیر و کبیر رحم نمی‌کند با بستن شمشیر از رو می‌گوید: «مثل اصلی و اساسی اقتصاد ما این است که ذهنیت اقتصادی ما هنوز از عصر سوداگری، یعنی از اقتصاد پیش از *آدام اسمیت*، فراتر نیامد است. هم ما و هم دولت‌هایمان به تولید بارو نداریم، به عوض، سوداگری و شرکت در توزیع و مصرف، قند در دهان مان آب می‌کند. هم پیش از بهمن ۱۳۵۷ این گونه بوده‌ایم، هم

بعد از آن، البته مصرف بدون کوشش برای تولید نمی‌تواند از حد بخور و نمیر فراتر رود و از همین رو است که اقتصاد ما همیشه در حد تعادل معیش، یعنی همان اقتصاد بخور و نمیر باقی مانده است. البته با توزیع نابرابر دلارهای نفتی شماری این فرصت را پیدا می‌کنند که ادای ثروتمندان را در بیاورند. پیش شرطش البته این است که عده‌ای دیگر به شدت فقیر باشد که همیشه بوده‌اند...» (۴)

حاصل کلام: اصولاً تا روزی که نظام نکبت جمهوری اسلامی برقرار است، جان انسان‌ها، صرف‌نظر از عقیده و مسلک و سبک زندگی آنان، واجد کوچکترین ارزشی برای مسئولان و دست اندرکاران این نظام نیست. به همانگونه که برای رژیم جنایتکار اسرائیل و متحدان غربی آن هم نیست. جمهوری اسلامی همه‌ی هست و نیست مردم ایران را گروگان اعتقادات عقب مانده و قرون وسطایی خود و صف بندی‌های منطقه‌ای و جهانی خود ساخته است. شعار: «جنگ، جنگ تا پیروزی»، «راه قدس از کربلا می‌گذرد»، «جنگ نعمت است» و ده‌ها شعار از این نوع که جنگ را محمل وجودی خویش می‌انگارند، تنها پاسخ حکومتی‌ست که همواره در طلب جنگ است، سرمایه‌های ملی را در دویست موشک به سوی سرزمین اسرائیل روانه می‌کند و به کوه و کمر می‌زند مبادا خون از دماغ کسی سرازیر شود و خطرش دامانش را بگیرد اما در همین عملیات ابلهانه نیز یک کارگر فلسطینی کشته می‌شود. این نظام یک ویروس بیگانه در پیکر جامعه است که با اشغال منابع کشور صرفاً دنبال پیشبرد منافع نامشروع خویش است.

دادستانی که بحث درباره‌ی دلایل و ریشه‌های مرگ دسته جمعی معدنچیان را ممنوع کرده، صدای بازماندگان فاجعه طبس را که از اعماق وجدان جمعی جامعه‌ی ما برخاسته، نشنیده است که به اعلام عزای پنج روزه برای سید حسن نصراله معترض‌اند درحالی‌که برای بیش از ۵۰ کارگر شریف و زحمتکش جان باخته در معدن معدنجوی طبس سه روز عزای عمومی و آن‌هم فقط در یک استان اعلام شد و بحث و اظهار نظر درباره‌ی علت العلل این جنایت را ممنوع اعلام کردند... ننگ یک جامعه نود میلیونی بر شما باید که ننگ تاریخید!

منابع:

(۱) امیرجواهری لنگرودی ، سایت اشتراک ، سالگرد جانباختگان معدن زغال سنگ زمستان یورت آذر شهر

<https://eshtrak.wordpress.com/2018/05/07/>

(۲) امیرجواهری لنگرودی، جنابت اول ماه مه ۱۴۰۰، در معدن طزره دامغان

<https://karegari.com/maqhalat/2021/05/24/Roozshomar%20kargari%206,%207%20AmiR.pdf>

(۳) زنده یاد دکتر فریبرز رئیس دانا، واکاوی اقتصاد ایران، چاپ اول، تورنتو کانادا، ص ۳۱۶، شهریور ۱۳۸۹

(۴) دکتر اقتصاد احمد سیف، استاد بازنشسته دانشگاه‌های انگلیس، نگاهی با دوربین به اقتصاد ایران از مشروطه تا کنون، چاپ ایران، نشر کرگدن، صفحات ۲۳۳ و ۲۳۴